

بررسی تعیین کننده‌های شکاف سن واقعی و ایده‌آل ازدواج در استان کهگیلویه و بویراحمد

فرزاد قربانی*، محمد میرزایی**، محمد حدادی***، زینب محمدی‌زاده****

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۶/۳۰ تاریخ بازنگری: ۹۸/۰۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۲۸

چکیده

در چند دهه‌ی گذشته، میانگین سن ازدواج به صورت محسوسی افزایش داشته است. به نظر می‌رسد چنین افزایشی خودخواسته نیست و سن واقعی ازدواج مطابق با سن ایده‌آل ازدواج افراد نیست و عواملی باعث عدم تطابق این دو شده‌اند؛ بنابراین هدف از مطالعه حاضر بررسی تعیین کننده‌های شکاف سن واقعی و سن ایده‌آل ازدواج در استان کهگیلویه و بویراحمد است. جامعه آماری در این پژوهش، افراد در شرف ازدواج در سطح استان بوده و تعداد نمونه آماری در این پژوهش ۴۰۰ نفر است که با توجه به نسبت جمعیت شهرستان‌ها انتخاب شده‌اند. در این پژوهش، برای گردآوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد که بیش از ۶۰ درصد زنان و مردان، شکاف سن واقعی و ایده‌آل ازدواج را تجربه کرده‌اند. شکاف مذکور برای اکثریت افراد مثبت بوده است به این معنا که درصد افرادی که دیرتر از سن ایده‌آلشان ازدواج کرده‌اند بیشتر است. نتایج تحلیل چند متغیره نشان داد که متغیرهای تحصیلات، جهت‌گیری ارزشی و وضعیت اشتغال بر شکاف سن واقعی و ایده‌آل ازدواج مردان و متغیرهای تحصیلات، درآمد خانواده، جهت‌گیری ارزشی و وضعیت اشتغال بر شکاف سن واقعی و ایده‌آل ازدواج زنان مؤثر است. با توجه به اینکه بیش از نیمی از افراد، سن ایده‌آل ازدواجشان کمتر از سن واقعی ازدواجشان بوده، سیاست‌گذاران با مهیا کردن شرایط ساختاری می‌توانند مسأله سن ازدواج را به‌عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی کشور را تا حدودی حل کنند چرا که افراد به لحاظ نگرشی موافق ازدواج در سنین پایین‌تر هستند.

واژگان کلیدی: شکاف، سن ایده‌آل ازدواج، افراد در شرف ازدواج، کهگیلویه و بویراحمد.

farzad92ghorbani@gmail.com
mmirzaie@ut.ac.ir
haddadi1741@ut.ac.ir
mohammadizadez@yahoo.com

* دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).
** استاد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران.
*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران.
**** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز.

طرح مسأله

در بین تمامی نهادها و سازمان‌های اجتماعی، خانواده^۱ نقش و اهمیتی خاص و بسزا دارد. تمامی آن‌هایی که در باب سازمان جامعه اندیشیده‌اند، همه مصلحین، حتی رویاگرایان و آنان که به ناکجاآباد روی کرده‌اند، بر خانواده و اهمیت حیاتی آن برای جامعه تأکید ورزیده‌اند. به‌درستی هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند، چنانچه از خانواده‌هایی سالم برخوردار نباشد. (Sarokhani, 2006) با وجود تداوم نقش عناصر فرهنگی گذشته و تأثیر پایدار ارزش‌های مذهبی بر نگرش‌ها و رفتارهای خانوادگی ایرانیان، در چند دهه‌ی اخیر، در ایران، خانواده سنتی تحت تأثیر دگرگونی‌های مهم اقتصادی و اجتماعی، شاهد تحولات چشم‌گیری در ساخت و کارکرد و ارزش‌های فرهنگی خود بوده است. (Behnam, 1973). به باور آزاد ارمکی و ظهیری نیا (2010) تحت تأثیر جریان نوسازی^۲ فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور این تغییرات اساسی اتفاق افتاده است.

از جمله تغییرات اساسی در نظام خانواده، تغییر نگرش‌ها، رفتارها و ایده‌آل‌های مربوط به ازدواج است. تغییر الگوی سنی ازدواج از تغییرات مهم ازدواج محسوب می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد میانگین سن ازدواج در فاصله‌ی دهه‌ی ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۷۵ برای زنان از ۱۸,۹ به ۲۱,۵ سال و برای مردان از ۲۳,۳ به ۲۴,۴ سال افزایش یافته است و در سال ۱۳۸۵ به ترتیب برای زنان و مردان به ۲۳,۳ و ۲۶,۲ و در سال ۱۳۹۰ به ۲۳,۴ و ۲۶,۷ سال و در سال ۱۳۹۵ به ۲۳ و ۲۷,۴ رسیده است. البته لازم به ذکر است که افزایش سن متوسط در اولین ازدواج برای زنان از سال ۱۳۵۵ شروع شده است اما برای مردان از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵ رو به تنزل بوده تا بالاخره از سال ۱۳۷۰ شروع به افزایش نموده و تا امروز ادامه داشته است. (Abbasi Shavazi, Mohammad Jalal & Askari, 1978; country, 1978; (Nodoushan, Abbas, 2005; Amani, 2001); در استان کهگیلویه و بویراحمد که در این مطالعه به‌عنوان جامعه مورد مطالعه انتخاب شده است متوسط سن ازدواج در استان، طی نیم‌قرن اخیر افزایش محسوسی داشته است. میانگین سن ازدواج طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ برای مردان از ۲۱,۹ به ۲۸,۹ سال و برای زنان از ۱۷,۳ به ۲۵,۲ سال افزایش داشته است (نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن کل کشور).

1. family

2. modernization

هرگاه از افزایش یا کاهش سن ازدواج^۱ بحث می‌شود بیشتر روند مورد نظر هست و سن خاصی به‌عنوان سن مرجع برای مقایسه مدنظر نیست. با توجه به اینکه افراد هر جامعه شرایط و شیوه‌های زندگی خاص خودشان را دارند مشخص کردن یک سن به‌عنوان سن ازدواج، بدون شک موردقبول همه قرار نمی‌گیرد. افراد با توجه به ویژگی‌های خاصی که دارند ایده‌آل‌هایی را برای معیارها و زمان‌بندی ازدواج خود در ذهن دارد؛ بنابراین می‌توان گفت سن ازدواج زمانی برای هر فرد تبدیل به یک مسأله و یا مشکل می‌شود که با سن ایده‌آلی که مدنظر داشته همخوانی نداشته باشد و به عبارتی سن ازدواجشان کمتر یا بیشتر از سن ایده‌آل ازدواجشان باشد.

مطالعات بسیاری در ایران به بررسی نگرش‌ها و رفتارهای ازدواجی بخصوص در مورد سن ازدواج پرداخته‌اند ولی تعداد کمی از این مطالعات به بررسی عدم تطابق رفتارها و نگرش‌های افراد نسبت به سن مناسب ازدواج پرداخته‌اند که این مطالعات محدود نیز بر روی زنان و مردانی انجام گرفته که سال‌ها ازدواج کرده‌اند. مطالعه‌ی حاضر به بررسی شکاف سن واقعی و ایده‌آل ازدواج افراد در شرف ازدواج پرداخته است. انجام چنین مطالعاتی بر روی افراد در شرف ازدواج از این حیث حائز اهمیت است که چنین افرادی نسبت به زنان و مردانی که سال‌ها ازدواج کرده‌اند با کمترین خطا، سنشان را در زمان ازدواج به یاد دارند و از طرفی، برخلاف افرادی که سال‌ها ازدواج کرده‌اند نگرش آن‌ها نسبت به سن مطلوب ازدواج متأثر از پستی‌وبلندی‌های زندگی متأهلی نیست و نگرش آن‌ها بیشتر متأثر از مشکلات جوانان و موانع ازدواج نسل خودشان و واقعیات روز جامعه است و مسلماً بررسی رفتار و نگرش چنین افرادی نسبت به سن مناسب ازدواج می‌تواند نتایج مفیدی برای سیاست‌گذارانی داشته باشد که قصد دارند برای افراد نسل حاضر که در سن ازدواج هستند برنامه‌ریزی کنند. لذا در این مطالعه سعی شده است تعیین‌کننده‌های شکاف سن واقعی ازدواج افراد و سن مناسب و ایده‌آل افراد در شرف ازدواج موردبررسی قرار گیرد.

پیشینه تحقیق

در این بخش تعدادی از پژوهش‌هایی را که به رفتارها و نگرش‌های مربوط به سن ازدواج پرداخته‌اند آورده شده است. ابتدا به مطالعاتی پرداخته می‌شود که در داخل انجام گرفته و در پایان به چند نمونه از این مطالعات که در خارج انجام گرفته اشاره می‌شود. عسکری ندوشن و همکاران (2016) در مطالعه‌ای در شهر یزد با عنوان سن ایده‌آل ازدواج و عوامل

1. age of marriage

تعیین‌کننده‌ی آن به این نتایج رسید که سن ایده‌آل ازدواج دختران و پسران از نظر زنان شهر یزد به ترتیب ۲۲/۵ و ۲۷/۵ سال است. همچنین متغیرهای تحصیلات پاسخگو و تحصیلات والدین، خودتحقق بخشی، نگرش به برابری جنسیتی، فردگرایی و سرمایه فرهنگی رابطه مستقیم و معنادار و در مقابل، متغیر پایبندی به ارزش‌های دینی رابطه معکوس و معناداری با نگرش به حداقل و حداکثر سن مناسب ازدواج دختران دارند. قاسمی اردهایی و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی تطبیقی نگرش زنان متعلق به نسل‌های مختلف در زمینه سن ازدواج به این نتایج رسیدند که تفاوت در ویژگی‌های تحصیلی و شغلی موجب شده تا زنان متعلق به نسل‌های مختلف برداشت‌های متفاوتی از سن ازدواج داشته باشند. حسینی و گراوند (۲۰۱۳) در بررسی خود تحت عنوان "سنجش عوامل مؤثر بر شکاف رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج در شهر کوهدشت" نشان دادند که میانگین سن ازدواج ترجیحی زنان برای دختران در میان ۶۳ درصد از افراد نمونه، متفاوت از سن آن‌ها به هنگام ازدواج است و بیش از ۸۰ درصد زنان میانگین سن ازدواج ترجیحی‌شان برای دختران بیشتر از سن آن‌ها به هنگام ازدواج است. بر پایه‌ی این بررسی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان، نگرش فرامادی به ازدواج، استقلال زنان و سن پاسخگویان بیشترین تأثیر را در میزان شکاف بین رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج دارند. حسینی (۲۰۱۲) در پیمایشی با عنوان تفاوت‌های قومی در رفتارهای ازدواج زنان و نگرش آن‌ها نسبت به ازدواج دختران در شهرستان ارومیه نشان داد که در هر دو بعد رفتاری و نگرشی تفاوت‌ها معناداری در برخی از ابعاد مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده بین زنان کرد و ترک وجود دارد. در این مطالعه، مقایسه رفتار ازدواج زنان با نگرش آن‌ها نسبت به زمان‌بندی ازدواج دختران نشان می‌دهد که در هر دو گروه قومی نگرش زنان نسبت به حداقل سن مناسب ازدواج برای دختران منطبق بر رفتار ازدواج آن‌ها می‌باشد و زنان کرد که در مقایسه با ترک‌ها در سنین پایین‌تری ازدواج کرده‌اند، محدوده‌ی سنی پایین‌تری برای ازدواج دختران پیشنهاد کرده‌اند. کاظمی (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان "بررسی تأثیر آرمان‌گرایی توسعه‌ای بر شکاف بین نگرش‌های دختران و مادران آن‌ها نسبت به ازدواج و خانواده" به این نتیجه رسید که بین نگرش مادران و دختران آن‌ها شکاف قابل‌توجهی وجود دارد. نگرش مادران نسبت به سن مطلوب ازدواج، نحوه انتخاب همسر، جدایی و طلاق، مطلوبیت ازدواج، قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، ارتباطات خانوادگی و مطلوبیت فرزند آوری، سنتی است و دختران نسبت به این شاخص‌ها نگرش مدرن دارند. عسکری ندوشن و همکاران (۲۰۰۹)، در مطالعه‌ای تفاوت‌ها و تغییرات بین نسلی در ارزش‌ها و

نگرش‌های مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده را بین دو نسل مادران و دختران مقایسه و تحلیل کردند که نتایج بیانگر اجماع و اتفاق نظر هر دو نسل در مورد سن مناسب ازدواج و همچنین مخالفت با چندهمسری مردان است.

لوفتسد^۱ و همکاران (2005) به بررسی تغییرات سن ازدواج و فاصله موالید در بین ۱۳۳۰ زن ۱۵ تا ۶۴ سال در یکی از مناطق روستایی فقیر در استان‌های جنوبی شرقی کشور چین پرداخته‌اند که نتایج نشان می‌دهد سن ازدواج در نسل‌ها و کوه‌رتهای جدیدتر افزایش داشته است؛ و زنان بودایی و تحصیل‌نکرده نسبت به زنان بی‌دین و تحصیل‌کرده، سن ازدواج پایین‌تری داشته است. مالهورترا^۲ و همکارانش (1992) به بررسی و تبیین شباهت‌های نسلی دختران و مادران در ادراکات و انتظارات ازدواج پرداختند. مطالعه آن‌ها در سری‌لانکا نشان داد که نگرش‌های دختران و مادرانشان درباره ازدواج نسبتاً مدرن می‌باشد. در تبیین این وضعیت، گسترش تحصیلات و استفاده از رسانه‌ها بسیار مهم بوده‌اند، بدین‌صورت که در بستر جامعه‌ای که فرصت‌های تحصیلی و رفاه اجتماعی برای زنان در دسترس باشد، مادران در توافق بیشتری با دختران‌شان بر ابعاد فردی ازدواج تأکید دارند تا ابعاد خانوادگی آن. ایو^۳ (2009) در مطالعه‌ای در ویتنام با عنوان سن در اولین ازدواج؛ روندها و تعیین‌کننده، به این نتیجه رسید که تحصیلات، اشتغال به‌ویژه اشتغال زنان و محل سکونت شهری و روستایی بر سن ازدواج افراد تأثیر می‌گذارند. مین^۴ (1997) در مطالعه‌ای دیگر در ویتنام نیز به همین نتیجه رسیده بود.

با مرور مطالعات انجام‌گرفته در زمینه‌ی رفتارها و نگرش‌های مرتبط با سن ازدواج، شاهد بودیم که مطالعات انجام‌گرفته یا صرفاً بر رفتارهای سن ازدواج تأکید داشته‌اند و یا صرفاً نگرش‌های مربوط به سن ازدواج را موردبررسی قرار دادند و تعدادی هم تفاوت‌های بین نسلی مادران و دختران و یا تفاوت‌های چند نسل زنان در مورد سن ازدواج را موردبررسی قرار دادند. همان‌طور که دیدیم فقط در مطالعه‌ی حسینی و گراوند (2013) به بحث شکاف رفتار و نگرش مرتبط با سن مناسب ازدواج پرداختند که در این مطالعه از زنانی که سال‌ها ازدواج کرده‌اند سن ایده‌آل و مناسب ازدواج را برای دختران پرسیده است که این امر نمی‌تواند کمکی به پیدا کردن عوامل اصلی شکاف رفتار و نگرش سن ازدواج کند. چون در اینجا، بیشتر مسائل مرتبط با زندگی متأهلی زنان پاسخگو هست که باعث

1. Luftsed
2. Malhotra
3. Vu
4. Minh

تغییر در ایده‌آل‌های مرتبط با سن ازدواج شده است؛ بنابراین نیازمند پژوهشی بودیم که افرادی را مورد بررسی قرار دهیم که در شرف ازدواج بودند تا با بررسی سن واقعی و ایده‌آل ازدواج و مقایسه‌ی آن‌ها، ابتدا میزان سال‌های تأخیر و تعجیل ازدواج از دیدگاه خودشان و سپس عوامل تأخیر و تعجیل و به‌طور مختصر عوامل شکاف مورد بررسی قرار گیرد. از طرفی بیشتر مطالعات پیشین، تأکیدشان بیشتر بر سن ازدواج دختران بوده و کمتر به سن ازدواج مردان پرداخته‌اند؛ که با توجه به این خلأ، این تحقیق نیز در پی آن است که شکاف سن واقعی و ایده‌آل ازدواج را برای هر دو جنس مورد بررسی قرار دهد.

ملاحظات نظری

نظریات مختلفی مباحث مربوط به سن ازدواج را تبیین می‌کنند که در اینجا با توجه به موضوع تحقیق، به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود.

بر طبق تئوری مدرنیزاسیون یا همگرایی خانواده، فرآیند مدرنیزاسیون، موجب تجدید ساختار جوامع از طریق صنعتی شدن، شهرنشینی، افزایش آموزش، گسترش رسانه‌های گروهی، توسعه حمل‌ونقل و ارتباطات و... می‌گردد. تحت تأثیر این تحولات ساختاری، الگوها و عناصر سنتی ازدواج و خانواده در جوامع کمتر توسعه‌یافته، سرانجام به سمت مدل جهان‌شمول خانواده مدرن غرب با ویژگی‌هایی نظیر هسته‌ای بودن، فردمحوری، آزادی در انتخاب همسر، ازدواج در سنین بالا، باروری پایین و برابری جنسیتی پیش خواهد رفت.

در تئوری اقتصادی بکر فرض می‌شود که ازدواج یک قاعده مستثنا نیست و می‌تواند به‌طور موفق‌تری با چارچوب فراهم‌شده توسط اقتصاد مدرن تجزیه و تحلیل گردد. دو اصل ساده و مرکزی این تجزیه و تحلیل عبارت‌اند از: اول آنکه چون ازدواج عملاً داوطلبانه است افراد از طریق ازدواج دیگران یا پدر و مادرشان تئوری مزیت را به راحتی عمل می‌کنند، یعنی آیا ازدواج منجر به بالا رفتن سطح مطلوبیت‌شان نسبت به مجرد ماندن می‌شود یا خیر؟ ثانیاً از آنجاکه خیلی از مردان و زنان برای یافتن همسر در حال رقابت هستند، بنابراین یک بازار ازدواج شکل می‌گیرد که هر فرد تلاش می‌کند بهترین همسر را بیابد و این نیز تابع محدودیت‌های اعمال‌شده از طریق بازار است. در مجموع بر مبنای این تئوری، ازدواج مانند سایر رفتارهای اقتصادی یک مدل در حداکثر سازی مطلوبیت بشمار می‌رود؛ به عبارت دیگر ازدواج به وقوع می‌پیوندد اگر و فقط اگر مطلوبیت دو طرف بر اثر این ازدواج افزایش یابد. (Becker, 1973).

بر طبق نظریه مبادله^۱، یک رفتار از طریق به حداکثر رساندن سود مشخص می‌شود. کاربرد این نظریه برای ازدواج این است که تصمیم گرفتن برای ازدواج یا به معنای پیمان بستن برای کسب رضایت بیشتر در قیاس با مجرد ماندن است و یا به این معناست که ازدواج کردن نسبت به جایگزین‌های دیگر کمتر نامطلوب است. بارتز^۲ و نای^۳ با کاربرد این نظریه در مورد ازدواج و با بررسی ۲۳ قضیه مرتبط با عوامل اقتصادی-اجتماعی و ازدواج یک قضیه نظری عام مطرح کرده‌اند. به این صورت که هر قدر تفاوت مثبت بین رضایت مورد انتظار از ازدواج و رضایت دریافت شده از موقعیت کنونی فرد بیشتر باشد، احتمال ازدواج زودرس بیشتر خواهد بود. در مجموع فرض اساسی نظریه مبادله این است که مردم در انتخاب‌های خود منطقی هستند و درصدد به حداکثر رساندن سود خود از انتخاب و برقراری رابطه با دیگران می‌باشند. (Momeni, 1979).

دیکسون بر اهمیت سه متغیر تأکید دارد و بر این باور است که این سه متغیر، اثرات ساختار اجتماعی بر الگوهای ازدواج را تعدیل می‌نماید. سه متغیر موردنظر دیکسون عبارت‌اند از: دسترسی، امکان و تمایل. طبق این چارچوب، متغیر اول یعنی قابلیت دسترسی به شریک آینده‌ی زندگی از طریق نسبت‌های سنی-جنسی افراد در سن ازدواج و روش‌های انتخاب همسر (تنظیم‌شده یا انتخاب آزاد) اندازه‌گیری و تعیین می‌گردد. متغیر دوم به امکان‌پذیر بودن ازدواج برحسب شرایط اقتصادی و اجتماعی اشاره دارد که برای زوج‌های جوان جهت تشکیل خانواده ضروری می‌باشد. در هنگامی که افراد در انتخاب همسر آزاد هستند و خانواده‌ی هسته‌ای نسبت به خانواده‌ی گسترده رایج‌تر است، ازدواج دیرتر اتفاق می‌افتد. این بدان علت است که زوج‌های جوان، زمان بیشتری برای تشکیل خانواده مستقل و بدون حمایت خانواده گسترده نیاز دارند. متغیر سوم، تمایل یا مطلوبیت ازدواج برحسب فشار اجتماعی، تحریک و انگیزش فردی برای ازدواج تعریف شده است. فشار اجتماعی نه فقط شامل پاداش اجتماعی از قبیل عشق، عاطفه، حمایت اقتصادی، حفظ اصل و نسب و احساس خوشی در سالخوردگی است بلکه شامل مجازات اجتماعی از قبیل انزوای اجتماعی و ننگ و رسوایی به دلیل بی‌فرزندگی یا مجرد قطعی از یک سن معین به بالا می‌باشد. اگر پاداش اجتماعی برای مجرد در یک سن معین بیشتر از مجازات آن باشد یقیناً ازدواج با تأخیر صورت می‌گیرد.

1. Exchange Theory

2. Bartz

3. Nye

نظریه قومی- فرهنگی به‌طور گسترده‌ای توسط محققان برای تبیین انواع متفاوت رفتار در میان گروه‌های قومی مانند مشارکت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، ازدواج و خانواده و رفتار باروری بکار گرفته است. تئوری‌های فرهنگی بر نقش ارزش‌ها و هنجارها و نظام‌های هویتی و فرهنگی در شکل‌گیری الگوهای ازدواج و سایر رفتارهای جمعیتی تأکید دارند. (Lesthagh, 1983). در قالب این تئوری، هنجارها، آرمان‌ها و اعتقادات قومی، عوامل مهم و تعیین‌کننده در الگوهای ازدواج هستند. فرضیه تبیین هنجاری که متکی بر ملاحظات خرده‌فرهنگی است، بیان می‌کند که الگوهای قومی متفاوت ازدواج عمدتاً ناشی از تأثیر هنجارها و ارزش‌های قومی، خرده‌فرهنگی و بازتاب نفوذ میراث قومی- فرهنگی هستند و ارزش‌ها و هنجارهای منحصربه‌فرد قومی مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده، بیانگر تاریخ و اعتقادات مشترک اعضای گروه قومی بدون توجه به موقعیت اقتصادی اجتماعی آن‌هاست. با توجه به "فرضیه تعیین هویت" هانک معتقد است که رفتارها و جهت‌گیری‌های فردی بر اساس هنجارهای اجتماعی و سنت‌های خاص قومی فرهنگی شکل می‌گیرند و در این خصوص، زمینه‌های اجتماعی محلی به‌عنوان "محیط‌های هنجاری از نظر فرهنگی" محسوب می‌شوند که در آن نظارت و کنترل اجتماعی (در قالب جامعه‌پذیری و سایر اشکال نظارت اجتماعی) افراد را مجبور به عمل کردن مطابق انتظارات رفتاری دیگران می‌کند.

چارچوب نظری این پژوهش، ترکیبی از نظریه‌های مطرح شده در بالاست. بدین شکل که در این پژوهش، نظریه‌های اقتصادی و اجتماعی برای هدایت نظری این پژوهش انتخاب شده است. مطابق با تئوری مدرنیزاسیون، در سال‌های اخیر در ایران و به موازات آن در استان کهگیلویه و بویراحمد تغییرات اقتصادی و اجتماعی از جمله گسترش تحصیلات و شهرنشینی رخ داد که منجر به تغییراتی در سطح خانواده از جمله بالارفتن رفتن سن ازدواج گردید. گسترش تحصیلات و شهرنشینی در استان مورد مطالعه، بدون شک از اصلی‌ترین عللی هستند که منجر به از بین رفتن نگرش‌های سنتی به ازدواج و خانواده و در نتیجه رواج نگرش‌های مدرن به خانواده و ازدواج شد. طبق نظریه‌ی مدرنیزاسیون، انتظار می‌رود که به تناسب تغییرات اقتصادی اجتماعی، تغییراتی در نگرش به خانواده و خاصه سن ازدواج و در نتیجه تغییرات رفتاری مرتبط با آن صورت گیرد؛ اما همان‌طور که میدانیم استان مورد مطالعه، استانی در حال توسعه هست و شاخص‌های مدرنیته در آن همانند استان‌های توسعه‌یافته‌تر و مدرن‌تر کشور مانند تهران و سمنان و ... نیست ولی تغییرات سن ازدواج در این استان علی‌رغم تغییرات اقتصادی-اجتماعی کمتر، نسبت به استان‌های

توسعه‌یافته، به‌اندازه این استان‌ها و حتی بیشتر از آن‌ها بوده است. در این پژوهش، جهت تبیین این ناهمخوانی از چارچوب جامعه‌شناسی دیکسون استفاده‌شده است. بر اساس چارچوب جامعه‌شناسی دیکسون، امکان‌پذیر بودن ازدواج بر حسب شرایط اقتصادی و اجتماعی، برای زوج‌های جوان جهت تشکیل خانواده ضروری می‌باشد. در هنگامی که افراد در انتخاب همسر آزاد هستند و خانواده‌ی هسته‌ای نسبت به خانواده‌ی گسترده رایج‌تر است، ازدواج دیرتر اتفاق می‌افتد. این بدان علت است که زوج‌های جوان، زمان بیشتری برای تشکیل خانواده مستقل و بدون حمایت خانواده گسترده نیاز دارند؛ بنابراین می‌توان گفت که فراهم نبودن شرایط و امکان ازدواج، اصلی‌ترین دلیل تأخیر ازدواج در استان کهگیلویه و بویراحمد است.

روش تحقیق

داده‌های پژوهش حاضر حاصل یک پیمایش با استفاده از تکنیک پرسشنامه محقق ساخته است که از طریق مراجعه‌ی مستقیم پژوهشگر به پاسخگویان و تکمیل پرسشنامه به‌دست‌آمده‌اند. جامعه آماری در این پژوهش، افراد در شرف ازدواجی می‌باشد که در سال ۱۳۹۴، جهت انجام آزمایش‌های پزشکی قبل از ازدواج به مراکز بهداشتی-درمانی در سطح استان کهگیلویه و بویراحمد مراجعه می‌کردند.

استان کهگیلویه و بویراحمد طبق آخرین تقسیمات کشوری، دارای ۸ شهرستان (باشت، بویراحمد، بهمئی، دنا، چرام، کهگیلویه، گچساران، لنده) می‌باشد که به‌طور منطقی ما باید به‌طور تصادف، چند تا از این شهرستان‌ها را انتخاب و به مراکز بهداشتی-درمانی مستقر در این شهرستان‌ها مراجعه و داده‌ها را جمع‌آوری می‌کردیم اما از آنجاکه ۵ شهرستان کوچک و کم‌جمعیت باشت، بهمئی، دنا، چرام و لنده به‌تازگی از سه شهرستان بزرگ‌تر و قدمت‌دارتر استان یعنی شهرستان‌های بویراحمد، گچساران و کهگیلویه تفکیک شده‌اند و هنوز در مراکز بهداشتی-درمانی شهرستان‌های تازه تأسیس، آزمایش‌های پزشکی قبل از ازدواج صورت نمی‌گیرد و مردم این شهرستان‌های تازه تأسیس جهت انجام آزمایش‌های پزشکی قبل از ازدواج به شهرستان‌های بزرگ هم‌جوار که در سال‌های اخیر از آن تفکیک شده‌اند مراجعه می‌کنند (مردم شهرستان دنا به بویراحمد-مردم باشت به گچساران-مردم بهمئی، چرام، لنده به کهگیلویه). به همین دلیل ما به مراکز بهداشتی درمانی سه شهرستان بویراحمد، گچساران، کهگیلویه مراجعه کردیم و متناسب با حجم جمعیت هریک از سه شهرستان و شهرستان‌های تابعه دست به انتخاب نمونه و جمع‌آوری

داده‌ها زدیم. لازم به ذکر است که در هرکدام از این سه شهرستان، فقط یک مرکز جهت انجام آزمایش‌های پزشکی قبل از ازدواج وجود دارد و محقق در اینجا حق انتخاب نداشته است. با توجه به اینکه تعداد دقیق افراد در شرف ازدواج مشخص نیست انجام نمونه‌گیری احتمالی ممکن نیست بنابراین باید حجم نمونه را تقریبی انتخاب کنیم.

در این پژوهش، متغیرهای مستقل شامل متغیرهای چون: سطح تحصیلات پاسخگو، سطح تحصیلات پدر، سطح تحصیلات مادر، محل سکونت (شهری یا روستایی بودن)، درآمد خانواده و وضعیت اشتغال، می‌باشد. متغیر وابسته در این پژوهش، شکاف رفتار ازدواجی افراد در زمینه سن ازدواج (سن واقعی) و سن ایده‌آل ازدواج از دیدگاه آن‌هاست. این شاخص از طریق طرح دو پرسش و با استفاده از فرمول زیر عملیاتی شد. ابتدا از پاسخگو با یک سؤال باز پرسیده شد که چندسال دارید؟ از آنجا که پاسخگویان، افراد در شرف ازدواج هستند بنابراین سن آن‌ها به عنوان سن ازدواجشان در نظر گرفته شد. سپس از پاسخگو خواسته شد تا در بین چند گروه سنی قیدشده در پرسشنامه، سن مناسب ازدواج را انتخاب کند. در مرحله بعد، سن واقعی ازدواج افراد را متناسب با تعداد و اندازه گروه‌های سنی مشخص شده برای سن مناسب ازدواج به چند گروه سنی تقسیم شد؛ که اختلاف دیدگاه زنان با تجربه عملی آن‌ها در زمینه سن ازدواج، نشان دهنده‌ی شکاف در سن واقعی و ایده‌آل ازدواج است:

$$AMGI = AM_R - MPAG_D$$

در رابطه بالا، $AMGI$ شاخص شکاف سن ازدواج، AM_R سن پاسخگو به هنگام اولین ازدواج، $MPAG_D$ سن ترجیحی و ایده‌آل ازدواج برای افراد است که این رابطه، سه مقدار مثبت، منفی و صفر به خود می‌گیرد. مقدار صفر به معنای عدم شکاف است. به بیان دیگر نظر افراد در خصوص سن ایده‌آل ازدواج هیچ تفاوتی با تجربه عملی و واقعی راجع به سن ازدواج او ندارد. مقادیر مثبت و منفی بیانگر شکاف در رفتار و نگرش افراد در خصوص سن ازدواج است. شکاف مثبت به معنی دیررسی و تأخیر ازدواج و شکاف منفی به معنی زودرسی ازدواج است.

با توجه به اهمیت حصول اطمینان و اعتبار وسیله جمع‌آوری اطلاعات (پرسشنامه) در این بررسی، از اعتبار صوری استفاده شد. بدین شکل که سؤالات پرسشنامه به چند تن از اساتید و صاحب‌نظران برای داوری ارائه شد. در این پرسشنامه، اکثر متغیرهای تحقیق از طریق یک گویه یا سؤال سنجیده شده‌اند و فقط متغیر اولویت ارزشی از طریق مجموعه

بررسی تعیین‌کننده‌های شکاف سن واقعی و ایده‌آل ازدواج ... ۷۳

گویه‌ها یا شاخص سنجیده شده‌اند که پایایی شاخص اولویت ارزشی توسط اینگلهارت قبلاً مورد تأیید قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱، توزیع نسبی پاسخگویان را بر اساس متغیرهای مستقل تحقیق نشان می‌دهد. نتایج نشان داد که حدود ۶۵ درصد پاسخگویان شهری و نزدیک به ۳۵ درصد آن‌ها روستایی هستند. بر اساس وضعیت اشتغال، نتایج نشان داد که مردان به لحاظ اشتغال، نسبت به زنان وضعیت بهتری دارند، درحالی‌که بیش از ۴۰ درصد مردان شاغل هستند فقط ۱۷ درصد زنان دارای شغل می‌باشند. حدود یک‌چهارم از پاسخگویان زن دانشجوی و محصل بودند ولی این مقدار برای مردان یک‌هشتم یعنی ۱۲,۵ درصد است.

بر اساس وضعیت تحصیلات، نتایج حاکی از آن است که فقط حدود یک درصد از پاسخگویان سواد خواندن و نوشتن ندارند و از طرف دیگر بیش از نیمی از پاسخگویان تحصیلات دانشگاهی دارند که البته نسبت مردان به زنان در مقوله تحصیلات دانشگاهی بیشتر است ولی فراوان نیست. سطح تحصیلات پدر و مادر پاسخگویان نشان می‌دهد که حدود نیمی از آن‌ها، بی‌سواد هستند که با مقایسه سطح تحصیلات نسل پدران و مادران و سطح تحصیلات پاسخگویان می‌توان به بهبود محسوس وضعیت سواد و تحصیلات در جامعه مورد مطالعه پی برد. در رابطه با وضعیت درآمد خانواده افراد پاسخگو می‌توان گفت که درآمد خانواده حدود ۷۵ درصد پاسخگویان کمتر از یک میلیون تومان است و فقط ۲۵ درصد خانواده پاسخگویان درآمدی بالای یک میلیون تومان دارند.

نتایج جدول ۱ همچنین نشان می‌دهد که پاسخگویان به لحاظ جهت‌گیری ارزشی اکثراً در سطح التقاطی هستند. طبق نتایج، حدود ۲۵ درصد کل پاسخگویان دارای جهت‌گیری ارزشی مادی محض و ۱۰ درصد آن‌ها فرامادی‌گرا هستند.

جدول ۱: توزیع پاسخگویان برحسب متغیرهای مستقل تحقیق به تفکیک جنس

Table 1: Independent variables based on sex differentiation for participants

زن		مرد		پاسخگو متغیر	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
62	124	65	130	شهری	محل سکونت
38	76	35	70	روستایی	
17	34	40.5	81	شاغل	وضعیت اشتغال
34	68	35	70	بیکار	
1	2	4.5	9	دارای درآمد بدون کار	
25	50	12.5	25	محصل یا دانشجوی خانهدار	
22	44	.	.	سایر	
1	2	7.5	15	بی سواد	سطح تحصیلات
12	24	10	20	ابتدایی و راهنمایی	
35	70	29	58	دبیرستان و دیپلم	
52	104	60.5	121	دانشگاهی	
42.5	85	51	102	بی سواد	سطح تحصیلات مادر
55	110	45.5	91	ابتدایی و راهنمایی	
2.5	5	2	4	دبیرستان و دیپلم	
0	0	1.5	3	دانشگاهی	
32	64	41.5	83	بی سواد	سطح تحصیلات پدر
51.5	103	45.5	91	ابتدایی و راهنمایی	
14.5	29	10.5	21	دبیرستان و دیپلم	
2	4	2.5	5	دانشگاهی	
23.5	47	24	48	زیر 200 هزار تومان	درآمد خانواده
27.5	55	29	58	200-600 هزار تومان	
21	42	25	50	600 تا یک میلیون	
28	56	22	44	بیشتر از یک میلیون	

۷۵ بررسی تعیین کننده‌های شکاف سن واقعی و ایده‌آل ازدواج ...

30	60	24	48	مادی محض	جهت‌گیری ارزشی
36.5	73	34	68	التقاطی مادی	
26	52	28.5	57	التقاطی فرامادی	
7.5	15	13.5	27	فرامادی محض	

جدول ۲، توزیع پاسخگویان را بر اساس نوع شکاف سن واقعی و سن ایده‌آل ازدواج نشان می‌دهد، طبق نتایج این جدول، ۳۶٫۵ درصد مردان و ۳۶ درصد زنان در س نتایج همچنین نشان داد حدود ۱۲٫۵ درصد مردان و ۲۱٫۵ درصد زنان، به لحاظ نوع شکاف بین سن واقعی و ایده‌آل ازدواجشان، شکاف منفی را تجربه کرده‌اند بدین معنی که سن ازدواجشان پایین‌تر از سن مطلوب و ایده‌آل آنهاست و به عبارتی دیگر به نظر خودشان، ازدواجی زودرس داشته‌اند. سن ایده‌آل و مطلوب از نظر خودشان ازدواج کرده‌اند و به عبارتی دیگر شکافی بین سن واقعی و سن ایده‌آل آنها دیده نشد.

جدول ۲- توزیع پاسخگویان برحسب متغیر نوع شکاف سن واقعی و ایده‌آل ازدواج

Table 2: Distribution of participants based on differentiation of real and idea age of marriage.

زنان		مردان		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
5.21	43	5.12	25	شکاف منفی
36	72	5.36	73	عدم شکاف
5.42	85	51	102	شکاف مثبت

بر اساس نتایج جدول، ۵۱ درصد مردان و ۴۲٫۵ درصد زنان به لحاظ نوع شکاف بین سن واقعی و ایده‌آل ازدواجشان، شکاف مثبت را تجربه کرده‌اند بدین معنی که سن ازدواجشان بالاتر از سن مطلوب و ایده‌آل آنهاست و به عبارتی دیگر به نظر خودشان، ازدواجی دیررس داشته‌اند.

جداول ۳ و ۴، نتایج تحلیل چند متغیره را به تفکیک و به ترتیب برای مردان و زنان نشان می‌دهند، در این بخش، محقق درصدد هست تا با کنترل اثر سایر متغیرها، تأثیر مستقل هر یک از متغیرها را بر متغیر نحوه انتخاب همسر بسنجد. از آنجاکه سطح سنجش متغیر وابسته، اسمی و از نوع چندوجهی است لذا از رگرسیون لجستیک چندوجهی برای تحلیل چند متغیره استفاده شد. متغیر نوع شکاف سن واقعی و ایده‌آل ازدواج که در این

پژوهش متغیر وابسته هست در سه طبقه (عدم شکاف، شکاف منفی و شکاف مثبت) کدگذاری شده است که در اینجا طبقه اول (عدم شکاف) به عنوان طبقه مرجع انتخاب شده است و تغییرات دوطبقه دیگر یعنی شکاف منفی و شکاف مثبت بر حسب آن سنجیده می شود؛ بنابراین تغییر نوع شکاف در نتیجه متغیرهای مستقل، از "شکاف منفی به عدم شکاف" و از "شکاف مثبت به عدم شکاف" نمایش داده شده است

جدول ۳، تأثیر مستقل متغیرهای تحقیق را بر شکاف سن واقعی و ایده آل ازدواج مردان نشان می دهد. در زیر به تفکیک به شرح نتایج مربوط به تغییر نوع شکاف در نتیجه-ی متغیرهای مستقل، از "شکاف منفی به عدم شکاف" و از "شکاف مثبت به عدم شکاف" پرداخته می شود (البته تنها به متغیرهایی اشاره می شود که تأثیر معناداری در سطح خطای کوچکتر از ۰,۰۵ بر شکاف سن ازدواج داشته اند. بر اساس نتایج، در مورد "شکاف منفی به عدم شکاف" می توان گفت.

که متغیر وضعیت تحصیلات پاسخگو و اولویت ارزشی بر نوع شکاف مؤثر است. از نظر تحصیلات، نسبت بختها در طبقه تحصیلی ابتدایی و راهنمایی برابر با ۳,۵۰۳ است که نشان می دهد با تغییر از تحصیلات ابتدایی و راهنمایی به تحصیلات دانشگاهی، احتمال عدم شکاف سن واقعی و ایده آل بیش از ۲ برابر افزایش می یابد (یعنی ۲۵۰/۳ درصد). همچنین نسبت بختها در طبقه تحصیلی دبیرستان و دیپلم برابر با ۰,۳۶۹ است که با توجه به ضریب منفی B (۰,۹۹۶) می توان گفت با تغییر از طبقه تحصیلی دبیرستان و دیپلم به تحصیلات دانشگاهی، احتمال عدم شکاف سن واقعی و ایده آل به اندازه ۶۳/۱- درصد کاهش می یابد. از نظر جهت گیری ارزشی، نسبت بختها در طیف ارزشی مادی محض، برابر با ۴,۳۹۴ است که با توجه به ضریب مثبت B (۱,۴۸۰) می توان گفت با تغییر از طیف ارزشی مادی محض به فرامادی محض، احتمال عدم شکاف سن واقعی و ایده آل ازدواج بیش از ۳ برابر افزایش می یابد (یعنی به اندازه ۶۳/۱- درصد). دیگر طبقات متغیر جهت گیری ارزشی اثر معناداری بر شکاف سن واقعی و ایده آل ازدواج مردان ندارند.

در مورد "شکاف مثبت به عدم شکاف" می توان گفت که متغیر وضعیت اشتغال پاسخگو بر نوع شکاف مؤثر است. نسبت بختها در طبقه محصل یا دانشجو برابر با ۰,۱۶۷ است که نشان می دهد با تغییر از طبقه محصل به طبقه شاغل، احتمال عدم شکاف سن واقعی و ایده آل به اندازه ۸۳/۳- درصد کاهش می یابد. با توجه به سطح معنی داری آماره ی کای اسکوتر (۶۸,۵۱۳) می توان گفت که برازش مدل برای مردان در سطح خطای کوچکتر از ۰,۰۵ معنادار است؛ یعنی مدل نهایی مدل خوبی است و توانسته مدل صفر را منتفی

بررسی تعیین کننده‌های شکاف سن واقعی و ایده‌آل ازدواج ... ۷۷

کند. همچنین مقادیر آماره‌های کاکس و نل، نیجل کرک و مک فادن نشان می‌دهند که متغیرهای مدل، میزان کمی از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. در واقع، این ۵ متغیر توانسته‌اند بین ۱۷/۶ درصد تا ۳۳/۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته (شکاف سن واقعی و ایده‌آل ازدواج) را تبیین می‌کند و بیش‌ترین میزان این واریانس تحت تأثیر متغیرهایی است که در مدل نیامده‌اند و در نتیجه به‌عنوان متغیرهای مستقل موردبررسی قرار نگرفته‌اند.

جدول ۳- نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک جهت تأثیر مستقل متغیرهای تحقیق بر

شکاف سن واقعی و ایده‌آل ازدواج مردان

Table 3: The results of logistic regression for determining effect of Independent variable on differentiations between real and ideal age

	شکاف مثبت					شکاف منفی				
	B	خطای استاندارد	آزمون والد	سطح معناداری	نسبت بخت‌ها	B	خطای استاندارد	آزمون والد	سطح معناداری	نسبت بخت‌ها
وضعیت تحصیلات: بی‌سواد	16.184	5441.26	0	993	106832	2.557	0	0	0	12.902
وضعیت تحصیلات: ابتدایی و راهنمایی	-0.356	0.651	0.299	0.584	0.7	1.254	0.868	2.087	0.014	3.503
وضعیت تحصیلات: دبیرستان و دیپلم	-0.290	0.395	0.542	0.462	0.748	0.996-	0.789	1.592	0.02	0.369
وضعیت تحصیلات: پدر: بی‌سواد	15.965-	1724.989	0	0.993	1.1165	12.59	3480.609	0	0.997	293517.9
وضعیت تحصیلات: پدر: ابتدایی و راهنمایی	15.239-	1724.989	0	0.993	2.408	12.008	3480.609	0	0.997	164090.7
وضعیت تحصیلات: پدر: دبیرستان و دیپلم	15.326-	1724.989	0	0.993	2.207	15.00	3480.6	0	0.997	329052
محل سکونت: شهر	0.382-	0.387	0.975	0.323	0.683	0.244-	0.628	0.151	0.697	0.783
درآمد خانواده: زیر 200 تومان	0.246-	0.614	0.161	0.688	0.782	1.382	1.051	1.729	0.189	3.984
درآمد خانواده: بین 200 تا 600 تومان	0.137	0.515	0.07	0.791	1.147	1.294	0.985	1.725	0.189	3.648
درآمد خانواده: بین 600 تا یک میلیون تومان	0.257	0.525	0.239	0.625	1.293	1.232-	1.017	1.47	0.225	0.292
وضعیت تحصیلات: مادر: بی‌سواد	14.894-	3211.836	0	0.996	3.402	0	5847.027	0	1	1

	شکاف مثبت					شکاف منفی				
	B	خطای استاندارد	آزمون والد	سطح معناداری	نسبت بخت‌ها	B	خطای استاندارد	آزمون والد	سطح معناداری	نسبت بخت‌ها
وضعیت تحصیلات مادر: ابتدایی و راهنمایی	16.193-	3211.836	0	0.996	9.274	0.139	5847.027	0	1	1.149
وضعیت تحصیلات مادر: دبیرستان و دیپلم	45.229-	4385.007	0	0.992	2.227	1.041-	5847.027	0	1	0.353
اولویت ارزشی: مادی محض	0.007	0.599	0	0.991	1.007	1.48	0.972	2.318	0.028	4.394
اولویت ارزشی: التقاطی مادی	0.393	0.547	0.517	0.472	1.482	0.536	0.951	0.317	0.573	1.708
اولویت ارزشی: التقاطی فرا مادی	0.445	0.554	0.647	0.421	1.561	0.101	1.026	0.1	0.921	1.107
وضعیت اشتغال: بیکار	0.196-	0.383	0.261	0.609	0.822	0.762-	0.672	1.283	0.257	0.467
وضعیت اشتغال: محصل	1.793-	0.672	7.109	0.008	0.167	0.135	0.842	0.026	0.873	1.145

جدول ۴، تأثیر مستقل متغیرهای تحقیق را بر شکاف سن واقعی و ایده‌آل ازدواج زنان نشان می‌دهد. در زیر به تفکیک به شرح نتایج مربوط به تغییر نوع شکاف در نتیجه‌ی متغیرهای مستقل، از "شکاف منفی به عدم شکاف" و از "شکاف مثبت به عدم شکاف" پرداخته می‌شود (البته تنها به متغیرهایی اشاره می‌شود که تأثیر معناداری در سطح خطای کوچک‌تر از ۰,۰۵ بر شکاف سن ازدواج داشته‌اند. بر اساس نتایج، در مورد "شکاف منفی به عدم شکاف" می‌توان گفت که متغیر وضعیت تحصیلات پاسخگو بر نوع شکاف مؤثر است. از نظر تحصیلات، نسبت بخت‌ها در طبقه تحصیلی دبیرستان و دیپلم برابر با ۲,۰۴۰ است که نشان می‌دهد با تغییر از طبقه‌ی تحصیلی دبیرستان و دیپلم به تحصیلات دانشگاهی، احتمال عدم شکاف سن واقعی و ایده‌آل افزایش می‌یابد (به اندازه ۱۰۴/۰ درصد). دیگر طبقات متغیر وضعیت تحصیلات اثر معناداری بر شکاف سن واقعی و ایده‌آل ازدواج زنان ندارند. در مورد "شکاف مثبت به عدم شکاف" می‌توان گفت که متغیرهای درآمد خانواده، جهت‌گیری ارزشی و وضعیت اشتغال پاسخگو بر نوع شکاف مؤثر است. نسبت بخت‌ها در طبقه درآمدی کمتر از ۲۰۰ هزار تومان برابر با ۰,۴۰۶ است که نشان می‌دهد با تغییر از طبقه درآمدی کمتر از ۲۰۰ هزار تومان به طبقه درآمدی بیشتر از یک میلیون، احتمال عدم شکاف سن واقعی و ایده‌آل به اندازه ۵۹/۴- درصد کاهش می‌یابد.

بررسی تعیین‌کننده‌های شکاف سن واقعی و ایده‌آل ازدواج ... ۷۹

از نظر جهت‌گیری ارزشی، نسبت بخت‌ها در طیف ارزشی مادی محض، برابر با $0,0513$ است که با توجه به ضریب منفی $B (-2,967)$ می‌توان گفت با تغییر از طیف ارزشی مادی محض به فرامادی محض، احتمال عدم شکاف سن واقعی و ایده‌آل ازدواج کاهش می‌یابد (یعنی به‌اندازه $94/9$ درصد). نسبت بخت‌ها در طیف ارزشی التقاطی مادی، برابر با $0,104$ است که با توجه به ضریب منفی $B (-2,261)$ می‌توان گفت با تغییر از طیف ارزشی التقاطی مادی به فرامادی محض، احتمال عدم شکاف سن واقعی و ایده‌آل ازدواج کاهش می‌یابد (یعنی به‌اندازه $89/6$ درصد). نسبت بخت‌ها در طیف ارزشی التقاطی فرامادی، برابر با $0,094$ است که با توجه به ضریب منفی $B (-2,350)$ می‌توان گفت با تغییر از طیف ارزشی التقاطی فرامادی مادی به فرامادی محض، احتمال عدم شکاف سن واقعی و ایده‌آل ازدواج کاهش می‌یابد (یعنی به‌اندازه $90/6$ درصد). از نظر وضعیت اشتغال، نسبت بخت‌ها در طبقه محصل یا دانشجو برابر با $0,223$ است که نشان می‌دهد با تغییر از طبقه محصل به طبقه شاغل، احتمال عدم شکاف سن واقعی و ایده‌آل به‌اندازه $77,7$ درصد کاهش می‌یابد.

با توجه به سطح معنی‌داری آماره‌ی کای اسکوئر ($59,924$) می‌توان گفت که برازش مدل برای زنان در سطح خطای کوچک‌تر از $0,05$ معنادار است؛ یعنی مدل نهایی مدل خوبی است و توانسته مدل صفر را منتفی کند. همچنین مقادیر آماره‌های کاکس و نل، نیجل کرک و مک فادن نشان می‌دهند که متغیرهای مدل، میزان کمی از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. در واقع، این 5 متغیر توانسته‌اند بین $14/1$ درصد تا $29/4$ درصد از تغییرات متغیر وابسته (شکاف سن واقعی و ایده‌آل ازدواج) را تبیین می‌کند و بیش‌ترین میزان این واریانس تحت تأثیر متغیرهایی است که در مدل نیامده‌اند و در نتیجه به‌عنوان متغیرهای مستقل موردبررسی قرار نگرفته‌اند.

جدول ۴- نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک جهت تأثیر مستقل متغیرهای تحقیق بر شکاف سن واقعی و ایده‌آل ازدواج زنان

Table 4: The results of logistic regression for determining effect of independent variable on differentiations between real and ideal age

	شکاف مثبت					شکاف منفی				
	B	خطای استاندارد	آزمون والد	سطح معناداری	نسبت بخت‌ها	B	خطای استاندارد	آزمون والد	سطح معناداری	نسبت بخت‌ها
وضعیت تحصیلات: بی‌سواد	0.909	8062.918	0	1	2.483	18.151	4912.513	0	0.997	76556196
وضعیت تحصیلات: ابتدایی و راهنمایی	0.365	0.845	0.187	0.666	1.44	0.077	0.716	0.012	0.914	1.081
وضعیت تحصیلات: دبیرستان و دیپلم	0.713	0.479	2.216	0.037	2.04	0.408-	0.448	0.831	0.362	0.655
وضعیت تحصیلات: پدر: بی‌سواد	0.479	1.794	0.071	0.789	1.615	0.624-	1.499	0.174	0.677	0.536
وضعیت تحصیلات: پدر: ابتدایی و راهنمایی	0.612	1.708	0.129	0.72	1.845	0.687-	1.412	0.237	0.627	0.503
وضعیت تحصیلات: پدر: دبیرستان و دیپلم	0.122	1.737	0.005	0.944	1.13	0.605-	1.434	0.178	0.673	0.673
محل سکونت: شهر	0.143-	0.491	0.085	0.771	0.867	0.062	0.44	0.02	0.888	1.064
درآمد خانواده: زیر 200 تومان	0.417-	0.743	0.315	0.575	0.659	0.902-	0.678	1.773	0.018	0.406
درآمد خانواده: بین 200 تا 600 تومان	0.496-	0.69	0.517	0.472	0.609	0.007	0.59	0	0.991	1.007

بررسی تعیین‌کننده‌های شکاف سن واقعی و ایده‌آل ازدواج ... ۸۱

	شکاف مثبت					شکاف منفی				
	B	خطای استاندارد	آزمون والد	سطح معناداری	نسبت بخت‌ها	B	خطای استاندارد	آزمون والد	سطح معناداری	نسبت بخت‌ها
درآمد خانواده: بین 600 تا یک میلیون تومان	0.297-	0.644	0.212	0.645	0.743	0.207	0.548	0.142	0.706	1.23
وضعیت تحصیلات مادر: بی‌سواد	0.693-	1.216	0.325	0.569	0.5	1.199	1.37	0.766	0.381	3.318
وضعیت تحصیلات مادر: ابتدایی و راهنمایی	0.504-	1.112	0.206	0.65	0.604	0.71	1.307	0.295	0.587	2.035
اولویت ارزی: مادی محض	14.699	1996.629	0	0.994	2419630	2.967-	1.121	7.004	0.008	0.051
اولویت ارزی: التقاطی مادی	14.734	1996.629	0	0.994	2506712	2.261-	1.115	4.108	0.043	0.104
اولویت ارزی: التقاطی فرا مادی	14.817	1996.629	0	0.994	2723080	2.350-	1.119	4.446	0.035	0.094
وضعیت اشتغال: بیکار	0.112-	0.713	0.025	0.875	0.894	0.050-	0.555	0.008	0.928	0.951
وضعیت اشتغال: محصل	0.116	0.717	0.026	0.872	1.123	1.500-	0.626	5.754	0.016	0.223
	سطح معناداری: 0.02 = = آزمون کای اسکوئر 92.59									

بحث و نتیجه‌گیری

در چند دهه‌ی اخیر، تأخیر سن ازدواج در ایران در صورتی شتاب فزاینده‌ای داشته است که خیلی از جوانان تمایل به ازدواج دارند و نگرششان نسبت به ازدواج مثبت است، از طرف دیگر، برخی دیگر از جوانان (بالاخص دختران) علی‌رغم میل باطنی‌شان در سنین پایین ازدواج می‌کنند. متأسفانه تا زمان حاضر، مطالعات کمی ناهمخوانی‌های مربوط به رفتارها و نگرش‌های مربوط به ازدواج را موردتوجه قرار داده است. در این مطالعه، محقق تلاش کرده است تا تعیین‌کننده‌های چنین ناهمخوانی‌ها را موردبررسی قرار دهد. داده‌های این مطالعه حاصل یک پیمایش است که در سال ۱۳۹۴ انجام گرفت. نمونه آماری در این مطالعه ۴۰۰ فرد در شرف ازدواج (۲۰۰ زن، ۲۰۰ مرد) است که با توجه به وضعیت متفاوت زنان و مردان در الگوی سنی ازدواج، نتایج مطالعه به‌صورت جداگانه آورده شده است. نتایج نشان داد ۳۶ زن و ۳۶٫۵ درصد مردان، شکافی بین سن واقعی و ایده‌آل ازدواجشان تجربه نکردند و به عبارتی در سن ایده‌آل خود ازدواج کرده‌اند که از این حیث، هر دو جنس وضعیت مشابهی دارند. از طرف دیگر نتایج نشان داد که تقریباً ۶۴ درصد زنان و مردان، شکاف سن واقعی و ایده‌آل ازدواج را تجربه کرده‌اند. این یافته با نتایج مطالعات قبلی (Hosseini & Gravand, 2014) کاملاً همخوانی دارد. شکاف مذکور برای اکثریت افراد مثبت بوده است به این معنا که درصد افرادی که دیرتر از سن ایده‌آلشان ازدواج کرده‌اند بیشتر است یعنی همان تا خیر ازدواج. البته وضعیت مردان و زنان در نوع شکاف متفاوت است. طبق نتایج، زنان نسبت به مردان شکاف منفی را بیشتر تجربه کرده‌اند، به این معنا که زودتر از سن ایده‌آل خود ازدواج کرده‌اند ولی مردان نسبت به زنان شکاف مثبت را بیشتر تجربه کرده‌اند.

نتایج تحلیل چند متغیره نشان داد که متغیرهای تحصیلات، جهت‌گیری ارزشی و وضعیت اشتغال بر شکاف سن واقعی و ایده‌آل ازدواج مردان مؤثر است. در مورد تأثیر متغیر تحصیلات، نتایج این پژوهش با نتایج تحقیقات پیشین (Ghasemi Ardhaee, 2014; Malhotra, 1992; Hosseini & Gravand 2014; Vu, 2009) همخوانی دارد. بر اساس نتایج، مردان با تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، کمترین شکاف را تجربه کرده‌اند، به این معنی که چنین مردانی در همان سن ایده‌آل خود، ازدواج کرده‌اند. چنین افرادی، به لحاظ نگرشی موافق با ازدواج در سنین پایین بوده‌اند که با توجه به خصیصه‌های اجتماعی و اقتصادی (نداشتن استقلال، نداشتن تحصیلات بالا و قرار نگرفتن در رده‌های شغلی بالا) که دارند در سنین پایین ازدواج می‌کنند؛ بنابراین به دلیل همخوانی رفتار و نگرششان نسبت

به ازدواج در سنین پایین، شکافی را تجربه نکردند. نتایج همچنین گویای آن است که مردان با تحصیلات دبیرستان و دیپلم بیشترین شکاف منفی را تجربه کرده‌اند یعنی سن واقعی ازدواج آن‌ها کمتر از سن ایده‌آلشان است. طبق چارچوب جامعه‌شناسی دیکسون، فشار اجتماعی شامل مجازات اجتماعی از قبیل انزوای اجتماعی و ننگ و رسوایی به دلیل بی‌فرزندگی یا مجرد قطعی، دلیل چنین تعجیلی در سن ازدواج می‌باشد. همچنین با توجه به "فرضیه تعیین هویت" هانک معتقد است که رفتارها و جهت‌گیری‌های فردی بر اساس هنجارهای اجتماعی و سنت‌های خاص قومی فرهنگی شکل می‌گیرند از آنجاکه در فرهنگ استان کهگیلویه و بویراحمد، خانواده و ازدواج و فرزند آوری، هنوز از اهمیت زیادی برخوردار است، افرادی که وارد دانشگاه نشده‌اند بیشتر تحت فشار خانواده و جامعه برای ازدواج هستند؛ بنابراین می‌توان گفت که این یافته نیز با نظریه قومی- فرهنگی همخوانی دارد. در مورد تأثیر جهت‌گیری ارزشی بر شکاف نتایج این پژوهش با مطالعات قبلی (Hosseini & Gravand, 2014) همخوانی دارد. طبق نتایج، مردان مادی‌گرا، کمترین شکاف را تجربه کرده‌اند در واقع سن ایده‌آل و سن واقعی ازدواج آن‌هاست. مطابق با نظریه‌ی اینگلهارت، افراد مادی‌گرا، نگرش سنتی‌تری به ازدواج دارند و در واقع تمایل دارند در سنین پایین ازدواج کنند. نتایج همچنین نشان داد افرادی که به لحاظ شغلی، نه شاغل هستند و نه بیکار و در طبقه‌ی دانشجوی قرار می‌گیرند بیشترین شکاف مثبت را تجربه کرده‌اند. بدین معنی که این افراد دیرتر از سن ایده‌آلشان ازدواج کرده‌اند. چنین افرادی بیشتر به خاطر طول سال‌های تحصیل و از طرفی فراهم نبودن امکانات لازم برای ازدواج در دوران دانشجویی، ازدواجشان به تأخیر افتاده است. این یافته نیز با چارچوب جامعه‌شناسی دیکسون همخوانی دارد. لازم به ذکر است که بیشتر افرادی که به لحاظ شغلی، در طبقه دانشجوی قرار گرفته‌اند در حال ادامه تحصیل در دوره کارشناسی ارشد بوده‌اند که جای تأمل دارد.

نتایج همچنین نشان داد که متغیرهای تحصیلات، درآمد خانواده، جهت‌گیری ارزشی و وضعیت اشتغال بر شکاف سن واقعی و ایده‌آل ازدواج زنان مؤثر است. بر اساس نتایج، زنان با تحصیلات دبیرستان و دیپلم کمترین شکاف را تجربه کرده‌اند. طبق نتایج، میانگین سن ازدواج زنان با تحصیلات دبیرستان، کمتر از ۲۲ سال و در واقع کمتر از میانگین سن ازدواج کل زنان استان است. مطابق با تئوری نوسازی چنین افرادی، به لحاظ نگرشی موافق با ازدواج در سنین بالا نبوده‌اند که با توجه به خصیصه‌های اجتماعی و اقتصادی (نداشتن تحصیلات دانشگاهی و نداشتن شغل) که دارند در سنین بالاتر ازدواج نمی‌کنند؛ بنابراین به

دلیل همخوانی رفتار و نگرششان، شکافی را تجربه نکردند. ولی زنانی که درآمد خانوادگی‌شان، کمتر از ۲۰۰ هزار تومان است و به لحاظ ارزشی در پایین‌ترین سطح یعنی جهت‌گیری ارزشی مادی محض قرار دارند و زنانی که به لحاظ شغلی در طبقه دانشجوی قرار گرفته‌اند شکاف مثبت را تجربه می‌کنند و به عبارتی دیرتر از سن ایده‌آلشان ازدواج می‌کنند. زنان مادی‌گرا و زنانی که درآمد خانوادگی‌شان کمتر از ۲۰۰ هزار تومان است چون به لحاظ نگرشی موافق ازدواج در سنین پایین هستند ولی از یک‌طرف به خاطر وضعیت اجتماعی و اقتصادی ضعیفشان کمتر مورد انتخاب می‌گیرند و از طرف دیگر به‌عنوان یک زن، حق انتخاب همسر یا اصطلاحاً خواستگاری از مردان را ندارند دیرتر ازدواج می‌کنند. در واقع می‌توان گفت مطابق با چارچوب جامعه‌شناسی دیکسون، علت تأخیر ازدواج چنین زنانی، بحث قابلیت دسترسی به شریک آینده‌ی زندگی است. همچنین زنانی که دانشجوی هستند بخاطر طول سال‌های تحصیل و ادامه تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی، دیرتر از سن ایده‌آلشان ازدواج می‌کنند که مطابق با تئوری دیکسون، این نیز به خاطر عدم امکان پذیرش ازدواج بر حسب شرایط دوران دانشجویی می‌باشد.

در پایان می‌توان گفت آن چیزی که در حال حاضر برای جامعه ایران مهم است بحث تأخیر ازدواج و بالارفتن سن ازدواج است که در این مطالعه، بحث دانشجوی بودن به‌عنوان یک وضعیت شغلی و تحصیلات به‌عنوان متغیری دیگر، تبیین‌کننده‌ی مهمی برای آن بوده است. از آنجاکه بسیاری از دانشگاه‌ها به‌صورت بی‌رویه و غیراصولی در مقاطع بالاتر دانشجوی می‌پذیرند این امر باعث شده است که بسیاری از جوانان، به بهانه‌ی تحصیل در مقاطع بالاتر، شانس اشتغال و نهایتاً شانس ازدواج در سنین ایده‌آلشان را از دست بدهند. لذا باید توجه سیاست‌گذاران به فراهم کردن شرایط و امکانات لازم برای ازدواج بخصوص برای دانشجویان جلب شود.

مطالعات قبلی که در زمینه‌ی سن ازدواج صورت گرفته بودند فقط یا به جنبه‌ی نگرشی و یا جنبه‌ی رفتاری سن ازدواج به‌صورت مجزا پرداخته‌اند ولی این مطالعه به اختلاف و شکاف این دو پرداخته است که نسبت به مطالعاتی که به‌صورت جداگانه به نگرش‌ها و رفتارهای مربوط به سن ازدواج پرداخته‌اند این مزیت را دارد که در این مطالعه، تأخیر یا زودرسی ازدواج افراد از دیدگاه خودشان موردسنجش قرار گرفته‌اند. از آنجاکه سیاست‌گذاری‌ها بر اساس شرایط و زمینه‌ی اجتماعی خاص زمان صورت می‌گیرد، بنابراین بهتر است تأخیر یا زودرسی ازدواج از دیدگاه خود افراد و با مقایسه سن واقعی و ایده‌آل ازدواج موردبررسی قرار گیرد نه با مقایسه سن ازدواج افرادی از نسل‌های متفاوت؛ و در

بررسی تعیین‌کننده‌های شکاف سن واقعی و ایده‌آل ازدواج ... ۸۵

نهایت چنین مطالعه‌ای برای سیاست‌گذاری و در نتیجه اثربخشی سیاست‌ها مفیدتر می‌باشد. از محدودیت‌های این مطالعه می‌توان به داده‌های محدود آن اشاره کرد. در این مطالعه کمتر به متغیرهای اقتصادی اشاره شده است درحالی‌که شرایط اقتصادی در این سال‌ها در وضعیت مطلوبی نبوده و بخشی از شکاف سن ازدواج به خاطر مسائل اقتصادی بوده است.

تشکر و سپاسگزاری

جا دارد در پایان از زحمات استاد گرانقدر جناب آقای دکتر محمد میرزایی که همیشه مشوق و همراه ما بودند کمال تشکر و قدردانی به عمل آورده شود. همچنین از مراکز مشاوره قبل از ازدواج واقع در شهرستان‌های کهگیلویه، گچساران و بویراحمد که همکاری‌های لازم را جهت گردآوری داده‌ها با ما داشتند تقدیر و تشکر می‌گردد.

References

- Abbasi Shavazi. M.J; Sadeghi, R (2005); *Ethnicity and Marriage Patterns in Iran*; Women's Journal of Development and Politics, Spring 2005 - No. 11 Scientific, 25-48.
- Abbasi Shavazi, M.J. Askari Nodoushan, A (2005). "*Family Changes and Fertility Reduction in Iran: A Case Study of Yazd Province*" Social Science Letter, No. 25, Pp. 25-25.
- Askari Nodoushan, A, Mohammad Jalal Abbasi Shavazi and Rasool Sadeghi (2009), *Mothers of Girls and Marriage (Generational Differences In Marriage Ideas and Attitudes in Yazd City)*, Tehran: Women's Strategic Studies (Women's Book), Pp. 36-7.
- Amani, M (2001), "*A Look at the Forty Years of Demographic Transformation of Marriage in Iran*" Social Science Letter, Volume 17, Number 17.
- Azad Armaki, T. Zahiria Nia M (2010). "*A Study of Value Types and Cultural Changes in the Family.*" Family Studies, Sixth Year, Fall 2010, No. 23.
- Becker, G. (1973). "*A Theory of Marriage Part I*" The Journal of Political Economy, 81(4): 813-846
- Behnam, J (1973). *Family and Family Buildings in Iran*, Tehran: Kharazmi Publications Detailed Results of General Population and Housing Censuses Of The Country 1986
- Sarokhani, B (2006), "*Introduction to Family Sociology*", Eighth Edition, Tehran: IRIB Publications.
- Hosseini, H (2012), *Ethnic Differences in Marriage Behaviors of Women and Their Attitude Towards Marriage of Girls in Urmia City*, Journal of the Iranian Society of Sociological Letters, Vol. 5, No. 9, 2012, Pp. 28-7.
- Hosseini, H & Gravand, M (2013), *Assessment of Factors Affecting the Behavior and Attitude of Women to Appropriate Marriage in Kouhdasht City*, Women in Development & Politics, Volume 11, Number 1, 101-118.
- Ghasemi Ardaei, Reza Nobakht, Hamideh Savabi (2014). *A Comparative Study of Attitudes of Women of Different Generations on Marriage Age and Family Composition*. Journal of Women and Family Studies, Volume 2, Number 1, Spring and Summer 1393. Pp. 53-71.
- Kazemi, Z (2010), *Investigating the Impact of Developmental Idealism on the Gap between Their Daughters and Their Mothers' Attitudes toward Marriage and the Family*, Medium: Journal of Family Studies, Volume 6, Number 23, Pp. 312-300.
- Minh, N. H. (1997). "*Age at First Marriage in Vietnam: Patterns and Determinants*", Asia-Pacific Population Journal 12(2): 49- 72.
- Momeni, A.J. (1979). "*Determinants of Female First Marriage in Shiraz, Iran*" Canadian Studies in Population, 6: 81-99.

- Good Viliam, (1963), *World Revolution and Family Patterns*, Net Work: Free Press.
- Malhotra A, A. Tsui, & V. De Silva (1992), "*Mothers, Daughters & Marriage: Explaining Similarity in Generational Perceptions in Sri Lanka*", Unpublished Report. In Wwww.Popline.Org.
- Mitra P., (2004), "*Effect of Socio-Economic Characteristics on Age at Marriage and Total Fertility in Nepal*" *Jornal of Health and Population*, Vol.22, No. 1, Pp. 84-96
- Smith, Peter C. (1980). "*Asian Marriage Patterns in Transition*", *Journal of Family History*, 5(1): 58- 96.
- Thornton, A. (2001), "*The Developmental Paradigm, Reading History Sideways & Family Change*", *Demography*, 38(4): 449- 465.
- Van De Kaa, Dirk J; The Idea of a Second Demographic Transition in Industrialized Countries (2002), *Paper Presented at the Sixth Welfare Policy Seminar of the National Institute of Population and Social Security*, Tokyo, Japan, 29 January2002.
- Vu, L. (2009). "*Age at First Marriage in Vietnam: Trends and Determinants*", Paperpresented in Population Association of America, Annual Meeting, Detroit: 30 April-2 May 2006.